

اینترنت و زندگی دینی (۲)

سید عبدالرسول علم الهدی در بستر تکنولوژیکی امروز، رسانه ها بقدری توسعه یافتند و اطلاعات از هر طرف ما را احاطه کرده است، اگر نتوانیم تولید اطلاعات داشته باشیم نه تنها عقب افتاده ایم بلکه محکوم به تقلید و پیروی از دیگران می شویم. این مهم در بینش زندگی افرادی که به فرهنگ ما پیش دینی است، تاثیر می گذارد. هفته گذشته در بخش نخست این مطلب، تاریخچه شکل گیری اینترنت و فضای مجازی بررسی شد، در این قسمت ادامه مطالب را با هم دنبال می کنیم: Internet که با حرف بزرگ انگلیسی شروع می شود، کلکسیونی از میلیون ها کامپیوتر است که در هزاران سایت اطراف جهان پراکنده شده اند و کاربران و استفاده کنندگان آن، صرف نظر از نوع کامپیوتری که دارند، می توانند روی این شبکه کامپیوتری غول پیکر اطلاعات رد و بدل کنند و فایل به اشتراک گذارند. به این شبکه عظیم نت (Net) و سایبر اسپیس (Space Cyber) نیز گفته اند.

در واقع این شبکه ها در ابتدا یک پروژه نظامی بود و اتفاقاً مانند بسیاری از ایده های بزرگ، در ابتدا برای هدف دیگری مطرح شد. در سال ۱۹۶۹ شبکه ای موسوم به آرپانت (ARPANET) توسط ببولت، براناک و بنیومن تحت قراردادی که ایشان با آژانس پروژه های تحقیقاتی پیشرفته وزارت دفاع آمریکا (ARPA) منعقد کردند، طراحی گردید و توسعه یافت. ARPANET شبکه ای بود که مراکز دفاعی، نظامی و دانشگاهی طرف قرارداد وزارت دفاع را به هم متصل می ساخت. تسهیل تبادل و اشتراک اطلاعات بین محققین به ساده ترین نحو ممکن، بدون نیاز به اینکه محقق وقت ذی قیمت خود را صرف برقراری و حفظ ارتباط کند. دیری نپایید که قابلیت های انتقال فایل، تبادل پیام های الکترونیکی یا |email| و لیست های پستی به این شبکه نوپا اضافه گردید و تعداد کاربران این شبکه کوچک به سرعت افزایش یافت.

این شبکه طی دهه ۱۹۷۰ از شکل یک پروژه آزمایشی به یک پروژه فراگیر مبدل شد و ضمن به کارگیری ارتباطات ماهواره ای، رفته رفته شکل یک شبکه گسترده جهانی (WAN) را به خود گرفت. در واقع با ظهور و توسعه کامپیوترهای شخصی رومیزی (Bo/PC) و رشد تکنولوژی ارتباط این کامپیوترهای رومیزی به یکدیگر و امکان ایجاد شبکه های محلی (LAN)، شرکتها و موسسات بی شماری به فکر اتصال به ARPANET افتادند تا بتوانند از امکانات و اطلاعات و احیاناً قدرت و توانایی آن به نفع خود استفاده کنند. برخی نیز به ایجاد شبکه های اختصاصی پرداختند و در این راه بعضی از آنها قواعد ARPANET را رعایت کردند و برخی هم استانداردهای جدیدی را برای خود تعریف کردند. اما دیری نپایید که نیاز شدیدی به برقراری ارتباط مابین این شبکه های متعدد پیدا شد و در نتیجه، افراد متخصص از شبکه های متعدد و پراکنده، به طور منظم گرد هم آمدند و استاندارد را تدوین نمودند که هر شبکه با رعایت آن می توانست با سایر شبکه ها به تبادل اطلاعات بپردازد. به این ترتیب تلفیق و اجتماعی از شبکه های مختلف با اصول کاری متفاوت بوجود آمده که این اجتماع اینترنت (Internet) خوانده شد. (کوثری) بسیاری از مردم سال ۱۹۸۳ میلادی را تاریخ واقعی تولد اینترنت می دانند. در این سال ARPANET اولیه به دو بخش نظامی (MILNET) و تحقیقات شبکه (ARPANET) تقسیم شد. اما قبل از آن در اوایل ۱۹۸۰ شبکه CSNET که کامپیوترهای دیارتمان های علوم چندین ایالت را به هم وصل می کرد، به عنوان اولین شبکه غربیه به ARPANET متصل شد. بعدها CSNET در ۱۹۸۹ با BITNET ادغام گردید. در ژوئن ۱۹۹۰، ARPANET منحل شد و وظایف آن به ساختار گسترده تری به نام اینترنت محول شد. اینترنت از همان دو اصلی تبعیت کرد که ARPANET رعایت می نمود و آن دو اصل عبارت بودند از:

- ۱- اجازه بده شبکه ها توسط مجموعه ای از پروتکل ها به هم وصل شوند.
 - ۲- اجازه بده شبکه های جدید به شبکه بزرگ اصلی وصل شوند و از طریق دروازه ها (gateways) با آن تبادل اطلاعات کنند.
- در حال حاضر بنیاد علوم ملی آمریکا یا (Foundation science National) در قالب شبکه ای جدید بسیاری از وظایف ARPANET را به عهده دارد.

در مورد تامین هزینه اینترنت باید گفت اصولاً شرکتی به اسم کمپانی اینترنت وجود ندارد که صورت حساب صادر کند و از همه شبکه ها و کاربران پول بگیرد. به جای آن هر شبکه پول خودش را می پردازد. NSF هزینه NSFNET را می پردازد و NASA هزینه NASA Science Internet را پرداخت می کند. شبکه ها گرد هم می آیند و تصمیم می گیرند که چگونه به همدیگر وصل شوند و خودشان هزینه این اتصال را فراهم می کنند. یک کالج یا دانشکده هزینه اتصال خود را به شبکه منطقه ای می پردازد و شبکه منطقه ای هم هزینه اتصال را به نهادهای دسترسی او را به اینترنت ممکن ساخته می پردازد.

و همچنین در مورد اداره اینترنت باید گفت: هیچ کس و همه کس! اساساً اینترنت هیچ رئیس جمهور، مدیرعامل یا رئیس کلی ندارد و هر کسی می تواند نقطه نظرات خود را آزادانه روی آن مطرح کند. البته شبکه های متصل به اینترنت می توانند رئیس یا مدیرعامل داشته باشند اما هیچ فرد یا قدرت واحدی برای کنترل اینترنت در حالت کلی وجود ندارد. قدرت نهایی تصمیم گیرنده برای آینده اینترنت را می توان در نهادهایی مانند مجمع اینترنت یا ISOC (کوتاه نوشته Internet Society) پیدا کرد.

به مناسبت سالروز شهادت پنجمین اختر تابناک امامت و ولایت (ع) بررسی شد:

جایگاه علمی و تلاش های فرهنگی امام باقر (ع)



امام باقر (ع) در دوره ای امامت خویش را آغاز کرد که جامعه اسلامی در وضع فرهنگی نابسامانی به سر می برد و عرصه فرهنگی جامعه گرفتار چالش های عمیق عقیدتی و درگیری های مختلف فقهی میان فرق اسلامی شده بود. فروکش کردن تنش های سیاسی پس از واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری، همچنین شکست برخی احزاب سیاسی مانند «عبدالله بن زبیر» سبب یکپارچگی حاکمیت بنی امیه شده بود و ناگزیر، بسیاری از دانشمندان از صحنه سیاسی دور شده بودند و حرکت گسترده ای در زمینه های مختلف علمی با بحث و بررسی درباره مسائل گوناگون آغاز شده بود. این رویکرد گسترده به مسائل فقهی و بحث تبادل نظرهای علمی در این برهه و پیدایش مکتب ها و سبک های مختلف علمی پس از مدت ها را کرد، فراوانی به بازار علم بخشید و به واقع نقش درخشان امام در این دوره در روشن سازی افکار عمومی دانشمندان اسلامی و به ویژه خردورزان شیعه دارای اهمیت بسیار است. با ظهور امام باقر (ع)، گام مهم و به سزایی در راستای تبیین آراء شیعه برداشته شد و جنبش تحسین برانگیزی در میان دانشمندان شیعی پدید آمد.

از سوی دیگر، خطر افکار آلوده یهود و سیطره نظریات فرق مرتجه، جبریه، قدریه، غلات و... حیات فکری شیعه را با خطر روبه رو کرده بود که به راستی مرجعیت علمی شایسته ای چون امام باقر (ع)، تفکرات خطرناک این فرقه ها را تا حد قابل توجهی منزوی ساخت.

چهره علمی امام

امام بسان خورشیدی گیتی فروز، بر سپهر دانش پرتو افکن بود و در بیان برتری و بزرگی این جایگاه، همین بس که بیشترین حدیث در بین جوامع حدیثی شیعه، از آن امام همام و فرزند برومند و خرمندش امام صادق (ع) است و این خود بزرگ ترین گواه در برجستگی شخصیت علمی ایشان به شمار می رود.

بسیاری از دانشمندان بزرگ اسلامی درباره جایگاه علمی امام، جمله های بسیار زیبایی بر زبان رانده و یا نگاشته اند که همچنان تاریخ، آن را در خاطر خود نگاهداری می کند. دانشمندان بسیاری چون «ابن مبارک»، «زهری»، «اوزاعی»، «مالک»، «شافعی»، «زید بن منذر نهدی» و... درباره برجستگی علمی او سخن رانده اند. دامنه گستره روایات امام در زمینه های گوناگون علمی، اندیشوران اهل سنت و محدثین آنان را بر آن داشت تا از ایشان روایت کنند و سخنان وی را درج و نقل نمایند که از جمله آنها «ابوحنیفه» را می توان نام برد.

پایه گذاری نهضت بزرگ و پویای علمی

امام باقر (ع) در دوران امامت خویش، با وجود شرایط نامساعدی که بر عرصه فرهنگ اسلامی سایه افکنده بود، با تلاشی جلی و گسترده نهضتی بزرگ را در زمینه علم و پیشرفت های آن طراحی کرد. تا جایی که این جنبش دامنه دار به بنیان گذاری و تأسیس یک دانشگاه بزرگ و برجسته اسلامی انجامید که پویایی و عظمت آن در دوران امام صادق (ع)، به اوج خود رسید.

امام با برقراری حوزه درس، با کج اندیشی ها، زدودن چالش های علمی، تحکیم مبانی معارف و اصول ناب اسلامی با تکیه بر آیات رهنمون گر قرآن مبارزه کرد و تمام ابواب فقهی و اعتقادی را از دیدگاه قرآن بررسی کرد و به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر خود و جنبش بزرگ

علمی کمر بست؛ به گونه ای که دانشمندی چون «جابر بن یزید جعفی» هر گاه می خواست سخنی در باب علم به میان آورد - با آن توشه ای که از دانش داشت - می گفت: «جانشین خدا و میراث دار دانش پیامبران محمد بن علی (ع) برام این گونه گفت» و به دلیل ناچیز دیدن موقعیت علمی خود در برابر جایگاه امام، از خود نظری به میان نمی آورد.

تحکیم بنیادهای تفکر شیعی

در آن روزگار، بسیاری از شیعیان به مراتب عالی تشیع دست نیافته بودند و دسته ای از آنان در کنار استفاده از احادیث اهل سنت، علاقه زیادی به فراگیری و بهره مندی از دانش امام نیز نشان می دادند. آن گونه که از کتاب های رجالی فهمیده می شود، نام بسیاری از اشخاصی که رابطه تنگاتنگی با امام داشته اند، جزء اصحاب او نیست. همین موضوع می توانست تا اندازه ای اندیشه شیعه را مست کند؛ چه بسا امکان اختلاط آموزه های دیگری با آن قسمت از معارفی که آنان از امام می آموختند وجود داشت. امام باقر (ع) نیز مانند دیگر امامان شیعه، برای تحکیم پایه های اندیشه شیعه بسیار کوشید و امامت شیعه را به خوبی برای همگان معرفی کرد. او می فرمود: «فرزندان رسول خدا (ص) درهای دانش خدایندی و راه رسیدن به خشنودی او هستند. آنان دعوت کنندگان مردم به سوی بهشت و راهنمایان به سوی آند».

امام با تکیه بر قرآن، رهبری شیعه و تقویت مبانی پیروی از آن را معرفی می کرد و می کوشید تا امامت را نیز مانند نبوت، امری الهی و مبتنی بر قرآن تبیین کند. بازتاب دیدگاه امام در مورد رهبری شیعه بر احادیث نبوی که بر شباهت و قرابت میان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) تأکید می کرده در بحث های کلامی ایشان انعکاس فراوانی دارد. او با بیان اینکه امام، دارای صفاتی ذاتی - مانند عصمت و علم - است، در نظر داشت رویکرد جلی تری به موضوع امامت داشته باشد. دیدگاه های ایشان درباره این موضوع، تأثیر ویژه ای بر مردم گذاشت و بسیاری از تهدیدها و خطرات را از تفکر شیعی دور کرد و سبب شد با وجود عقاید گوناگونی که در آن زمان درباره مرجعیت وجود داشت، تعداد گرایندگان به این مکتب رو به فزونی گذارد.

بنیانگذاری اجتهاد

یکی از شاخه های بزرگ علوم اسلامی «علم اصول» است که با بهره گیری از آن احکام شرعی را از ادله شرعیه استخراج می کنند. از این رو، اجتهاد متوقف بر آن است و مجتهد برای استنباط احکام شرعی به آن نیاز مبرم دارد و ملکه اجتهاد برای او حاصل نمی شود، مگر اینکه به تمامی بحث های آن آشنایی کامل داشته باشد.

تمامی دانشمندان شیعی بر این باورند که امام باقر (ع)، نخستین کسی بود که این علم را تأسیس کرد و قواعد آن را به وجود آورد و بدین وسیله دروازه اجتهاد را به روی دانشمندان اسلامی گشود. قواعدی را که امام تأسیس کرد به این نام ها در بین اصولیین شهرت یافت.

استصحاب، قاعده تجاوز، قاعده فراغ، قاعده نفی ضرر، علاج تعارض بین اخبار و... تمامی این قواعد به همراه اخباری که از امام در مورد آنها وارد شده است، در کتاب های اصولی موجود است. به گونه ای که هر یک از این روایات، درون مایه تأسیس قاعده ای بزرگ در اصول فقه قرار گرفت و آن را مبانی قواعد اصولی قرار دادند.

توسعه فرهنگ انتظار

تلاش های گسترده و عمیق امام باقر (ع) در نشر معارف اسلام ناب، سوق دادن امت به سوی فرهنگ انتظار امام آخرین (عج) بود. او در تبیین این فرهنگ بر آن بود تا با روشن کردن زوایای پنهان فرج آل محمد (ص) و پاسخ دادن به پرسش های گوناگون، غیبت و ظهور او را امری خدایادی و خارج از اختیار معرفی و نیز منتظران را به انتظار ظهور او ترغیب کند.

* منابع و مأخذ در نشر به موجود است

استمرار روشنفکری غربی در قالب جریان سیاسی انتلکئوتل



چندی پیش صفحه فرهنگ و دانش نشریه به معرفی کتاب «روشنفکری و روشن اندیشی در ایران» اثر دکتر بادامچیان، قائم مقام دبیر کل حزب موتلفه اسلامی پرداخت، در راستای این معرفی نقدی بر این کتاب توسط آقای یاسین علوی به دستمان رسید که عیناً در این صفحه به چاپ رسید تا موضوع کتاب از منظری دیگر مورد بررسی قرار گیرد؛ چندی بعد آقای دکتر بادامچیان در کمال احترام و رعایت اخلاق، مطلب ذیل را برایمان ارسال کرد که جهت روشنگری اذهان خوانندگان در ذیل آورده شده است تا گامی جهت تضارب افکار و بررسی بیشتر موضوعی تفاوت روشنفکری و روشن اندیشی از دیدگاه نگارنده کتاب مذکور باشد:

مقاله جناب آقای یاسین علوی در نقد کتاب روشنفکری و روشن اندیشی در ایران را خواندم. از ایشان و هر کس که نقدی داشته باشد تشکر دارم.

نقد و انتقادهای مثبت یا منفی به هر حال برای تکامل هر نوشته یا بیان و نظر مفید است. نقد جناب آقای علوی نقدی محترمانه بود و از وزن علمی نیز برخوردار بود.

در این روزها که افرادی گاه ادبیات خشن و گاه غیراخلاقی را حتی نسبت به دوستان خود بکار می برند این نوع نقد ارزش بیشتری دارد. از این جهت از ایشان تقدیر دارم.

در باره نقد ایشان، تذکراتی را تقدیم خوانندگان محترم می کنم: ۱- بخش اول سخن ایشان در مورد تفکر و فکر و روشنی فکر و اندیشه است. این بخش کاملاً مورد پذیرش است. زیرا ارزش فکر و شفافیت تفکر و روشنی اندیشه بر همگان آشکار است.

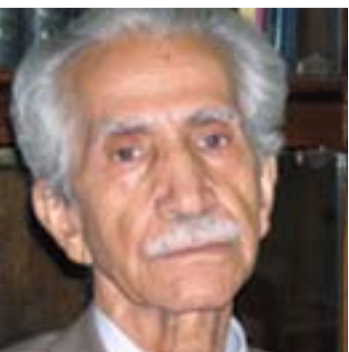
۲- بخش دوم مربوط به پیدایش روشنفکری غربی است. در اصل آن حرفی نیست که روشنفکری غربی، غرب را از سلطه افکار قرون وسطی کلیسای آن روز که فکر و عقایدی جامد و بسته داشت نجات داد. اما این روشنفکری در دو جهت استمرار یافت: ۱- در جهت روشنفکری غربی به عنوان یک مکتب فکری که تفکر غربی را مورد تجدید نظر مستمر قرار داده و می دهد و این مکتب در جوامع غربی ادامه خواهد یافت و موارد قابل استفاده و مفید آن برای سایر ملل قابل استفاده است. ۲- در جهت سیاسی و سلطه طلبی غربی - این رویکرد در غرب مورد استفاده برای سلطه فرهنگی غرب بر جهان شکل گرفته و به صورت جریان سیاسی انتلکئوتل، پیگیری شده است.

این جریان وارداتی استعماری، خود را در ایران و کشورهای اسلامی با عنوان فریبده منورالفکر و سپس روشنفکری معرفی کرده است. این جریان وارداتی استعماری و ضد آزادی ملتها و تبلیغ گر فرهنگ غربی سلطه گر، در طول دو قرن گذشته بیشترین ضربات را به آزادی اندیشه و استقلال فکری و انتخاب آزاد انسانها و ملتها وارد آورده است. عناصر این جریان که نام خود را روشنفکر گذاشته اند از تاریخ فکرتین افراد بوده اند و سیاهی و تباهی اقدامات آنها در کشورهای جهان سوم از جمله ایران بگونه ای بوده است که آل احمد آنها را خیانت روشنفکران می دانند.

آنچه مورد نقد در این کتاب است این نوع روشنفکری است. که اصولاً آن را «روشنفکری» به مفهوم لغوی آن نمی دانیم. لذا برای تفکیک این نوع روشنفکری با روشنفکری واقعی، واژه جدیدی را به کار برده ام که «روشن اندیشی» است. تا زمانی که آن التقاط روشنفکری واقعی با روشنفکری استعماری غربی در جامعه از بین نرود واژه روشن اندیشی را در برابر واژه روشنفکر که برای همان جریان وارداتی جا افتاده است بکار خواهم برد. میزان تاثیر کتاب را در تصحیح جریان تفکر روشن و اندیشه شفاف بخوبی یافته ام زیرا روشنفکران غرب زده و چپ زده به تحریم کتاب برخاسته اند و این می رساند که کتاب توانسته رسالت خود را بخوبی ایفا کند.

اسدالله بادامچیان

نگاهی به زندگی و آثار محمود شاهرخی متخلص به «جذبه»



تحمیلی، مذهب و عرفان شعر می سرود مقدمه دیوان حضرت امام (ره) را نیز تحریر کرده بود، صبح روز یکشنبه، ۲۴ آبان ماه امسال در سن ۸۲ سالگی در بیمارستان عرفان تهران به دیار باقی شتافت. روحش شاد....

دفاع مقدس، شهادت، ایثار و حماسه رزمندگان سرود و در شب های شعر دفاع و مقاومت و همایش های سراسری شعر دفاع مقدس حضور گسترده داشت. وی در طول فعالیت خود، با بسیاری از مراکز ادبی و فرهنگی از جمله حوزه هنری، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی شعر مرکز موسیقی صدا و سیما، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران همکاری داشته و عضو شورای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.

«جذبه» بیشتر قالب های کلاسیک را در سرودن تجربه کرد.

* بخشی از آثار منتشر شده محمود شاهرخی عبارتند از:

- در غبار کاروان، مجموعه شعر
- داغ شقایق ها، مجموعه شعر، گزیده شعر جنگ، حوزه هنری، دفتر ادبیات مقاومت، ۱۳۷۳

و در یکی از آسایشگاهها بستری شد. وی پس از بهبود و سلامتی، درگیر امور معیشتی شد و به همین علت از کسوت طلبگی بیرون آمد و در بخش خصوصی به فعالیت پرداخت. «جذبه» پس از پیروزی انقلاب، همکاری خود را با صدای جمهوری اسلامی آغاز کرد و به نوشتن مقالات و برنامه هایی با عنوانی تا به خلوتگاه خورشید، تا به سر منزل عناق، سیری به پای دل و نوای نی در زمینه ادب و عرفان پرداخت.

شعرهای «شاهرخی» پس از پیروزی انقلاب تا کنون به صورت پراکنده در بیشتر مطبوعات کشور، جنگ های ادبی و مجموعه شعرهای مختلف گردآوری شده، انتشار یافته است.

او از زمره شاعرانی بوده که پس از آغاز جنگ تحمیلی، بسیاری از شعرهای خود را در موضوع

یزد به ادامه تحصیل پرداخت. عاقبت آن پیر، «جذبه» را به دامادی خود برگزید. نام آن عارف شیفته، سید محمد و تخلصش مجذوب بود و «محمود شاهرخی» به واسطه ارادت مفرط به آن بزرگوار، تخلص جذبه را برای خود برگزید.

«جذبه» پس از آن برای مدتی در یزد به تحصیل اشتغال داشت و سپس به نجف، مشروف و به آستان بوسی امام موحدان و سر حلقه عارفان، مولای متقیان مفتخر شد و در مدرسه کبری آخوند خراسانی اقامت گزید و به تحصیل ادامه داد.

«شاهرخی» پس از چندی به علت ضعف مزاج و هوای نامساعد نجف، به بیماری ریبه مبتلا شد و ناگزیر به ایران مراجعت کرد و در فیضیه قم به تحصیل پرداخت.

سپس به علت تشدید بیماری به تهران آمد

محمود شاهرخی در سال ۱۳۰۶، در بم از توابع کرمان به دنیا آمد. وی از سوی پدر، منتسب به عارف خداین، میرزا حسین ملقب به رونق علی کرمانی است که مزارش در جنب آرامگاه مشتاق علی کرمانی زیارتگاه صاحبزادان است.

«جذبه» دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در بم گذراند و تحصیلات متوسطه را در کرمان و یزد به پایان برد. پس از آن در مدرسه معصومیه کرمان، که خاص طلاب علوم دینی است به فرا گرفتن مقدمات زبان عربی پرداخت.

«شاهرخی» در همان زمان با مردی وارسته و عارفی روشن ضمیر از اهالی یزد که برای وعظ و خطابه به بم آمده بود آشنا و شیفته معنویت و صفای وی شد و سرانجام در معیت آن بزرگوار، به یزد رفت و در خانه او ساکن شد و در مدرسه خان